

# افتتاح فدراسیون مذاهب برای صلح جهانی

رورند سان میانگ مون

۶ فوریه ۱۹۹۹

هتل لاته، سئول، کره

مهمانان عزیز از گوشه و کنار دنیا!

بی‌اندازه خوشحالم از اینکه می‌توانم میزبانان مراسم افتتاحیه مجمع کانون بین‌المللی مذاهب باشم. اگر سال گذشته بود که پیشنهاد رسمی تاسیس این انجمن را ارائه دادم، اما در اعماق قلبم، خود را ده‌ها سال قبل برای این فرصت مناسب آماده کرده بودم.

هدف سازمانها و فعالیتهای گوناگون مذهبی و جهانی را که من در طی ۴۰ سال گذشته بنا نهاده و گسترش داده‌ام، تحقق یک دنیای صلح‌آمیز مورد نظر خدا و بشریت بوده است. رویای صلح، قلب و عصاره تمامی فعالیت‌های مذهبی می‌باشد.

بشریت در قرن بیستم از دو جنگ مخرب جهانی رنج برده و برای ۷ سال تحت فشار کمونیست، ایدئولوژی منکر خدا، و جنگ سرد رو در رویی و ناسازگاری را تجربه کرده است. بدنبال پایان این دوره دنیا جام شادی صلح را برای لحظاتی چند نوشید.

اما خیلی زود همگی فهمیدیم که پایان جنگ سرد وصول به صلح نبود. وقوع کشمکش‌های سخت در دنیای امروز همچنان ادامه پیدا کرد. حتی در حال حاضر در یوگسلاوی، خاورمیانه، سودان، آسیای جنوبی و سایر نقاط مختلف جهانی کشتار و قتل عام‌های بسیاری صورت می‌گیرد.

همه می‌دانند که بسیاری از این نزاعها و جدالها ریشه‌های عمیق در درگیری‌ها و ناسازگاری‌ها مذهبی دارد. اینها مثالهایی چند برای بیداری ما در جهت اهمیت دادن به گفت و شنودها و همکاری‌های بین مجامع مذهبی است.

در عهد مدرن و جدید امروز اغلب مذاهب در جهت تحقق ایده‌آل‌هایشان تلاش دارند در عین اینکه فاصله خاص خود را از حوزه قدرت‌های جهانی حفظ می‌کنند. این یک اصل قانونی و معیار پذیرفته شده عمومی است. اما من ایمان دارم که زمان آن فرا رسیده تا آن سازمان‌های بین‌المللی که برای ایجاد و تحقق صلح جهانی در حال خدمت هستند در روابط خود با سنت‌های مذهبی بزرگ دنیا تجدید نظر کنند.

شاید سازمان ملل در میان تمامی سازمان‌های بین‌المللی بهترین مثال باشد. بسیاری از مردم به سازمان ملل بعنوان یک سازمان رسمی ایده‌آل بشری برای صلح جهانی احترام گذاشته و به آن امید بسته‌اند. نمایندگان تمامی کشورهای دنیا در سازمان ملل همراه و هم صدا برای حل مشکلات دنیا و نجات آن و همینطور ترویج صلح و کامیابی بشر در حال تلاش هستند.

با این حال تلاش‌های سازمان ملل در جهت ایجاد صلح جهانی، همواره با موانع جدی روبرو شده است. اگرچه نمی‌توان موفقیت‌های این سازمان را نادیده گرفت اما می‌توان گفت که سازمان ملل می‌تواند در سطوح بسیاری از کار و تلاش خود اصلاحات و پیشرفتی قابل توجه داشته باشد. زمان آن فرا رسیده است، تقویت ارتباطات دوجانبه و همکاری بین سیاستمداران و رهبران مذهبی دنیا بشدت مورد نیاز است.

در اصل قرار بود تا انسانها با روح و جسمی متحد زیسته و به عشق ناب و کامل خدا پاسخ گویند. چرا که بشریت آفریده شد تا دختران و پسران خدا بوده و بگونه‌ای تجسم او شوند که هرگز روح و جسمشان در درگیری و ناسازگاری

نیوده بلکه اتحاد راستین را بواقعیت درآورند. روح (وجود درونی) و جسم (وجود بیرونی) خدا هرگز در تضاد ناسازگاری نیستند. خدای قادر مطلق هرگز نمی‌توانست هیچگونه ناسازگاری و تضادی در درون (خود) داشته باشد.

ایده‌آل یکی شدن روح و جسم بشر وقتی تحقق می‌یابد که فرد بطور کامل دارای عشق راستین خدا باشد. این جمله از کتاب مقدس: خوشا بحال صلح کنندگان زیرا ایشان پسران خدا نامیده می‌شوند. نیز ثابت می‌کند که دستیابی به اتحاد روح و جسم مستلزم ارتباط ما با پدر بهشتی ما، خدا می‌باشد.

به سبب سقوط بشر بود که مردم استاندارد اتحاد و هماهنگی بین روح و جسم در درون فرد به سطوح خانواده، جامعه، ملت و دنیا بسط و توسعه پیدا کرده است. قتل هابیل توسط برادرش قابیل از همین مسئله نشأت گرفته بود. تمامی جنگ‌ها و درگیری‌هایی را که دنیا از آغاز تاریخ تاکنون شاهد آن بوده در واقع درگیری حوزه‌ی قابیلی (با تمایل به سمت پلیدی) و حوزه‌ی هابیلی (با تمایل به سمت خوبی) بوده است.

درگیری بین این دو حوزه‌ی هابیلی و قابیلی باید خاتمه یافته و همه چیز به حالت و وضعیت اصیل خود بازسازی شود. بهمین صورت رو در روئی روح و جسم نیز می‌بایست پایان یافته و اتحاد و هماهنگی غالب آید.

ما می‌بایست اصل اتحاد روح و جسم فردی را در سطوح جهانی اعمال کنیم. برای این منظور من فدراسیون مذاهب برای صلح جهانی را بعنوان نماینده (دنیای) روح فدراسیون صلح جهانی را بعنوان نماینده (دنیای) جسم تاسیس کردم. این دو فدراسیون باتفاق یکدیگر صلح جهانی را در تمامی زمینه‌ها تحت پوشش قرار خواهند داد.

چون ریشه مشکلات بشری فقط مسائل سیاسی نیست، راحل‌های سیاسی - اجتماعی نیز به تنهایی بسنده نخواهد بود. در عین اینکه اکثر جوامع توسط سیاست و سیاستمداران کنترل می‌شود، مذهب در ریشه و عمق هویت ملی و فرهنگی آن جوامع نهفته است.

اکنون زمان است تا مذهب، رهبری واقعی دنیا را در دست گیرد. من معتقدم که مردم مذهبی باید برای موفقیت بشر و رفع انواع گوناگون بی‌عدالتی‌ها در این عصر مسئولیت بعهده گیرند. بطور حتم بازتاب عمیق درونی (درون نگری) ضروری و مقدم بر آن است. مردم مذهبی در نشان دادن الگو و مثالی از تجربه عشق شکست خورده‌اند. برآستی زمان آن فرا رسیده است که آنان بخاطر اینکه تا بحال نتوانسته‌اند خود را بطور کامل برای رستگاری دنیا بگذارند، توبه کنند. آنها تا کنون مجذوب رستگاری فردی و فرقه‌گرایی و علائق آن شده بودند. تنها باور داشتن عشق کافی نیست بلکه این ایمان باید با تجربه آن همراه شود.

خدا رهبران جامعه مخصوصاً رهبران مذهبی را صدا می‌زند. او می‌خواهد تا ما با گناه و بی‌عدالتی‌های دنیا مبارزه کرده و بجای آن عشق راستین را بنا نهاده و ترویج دهیم. تمامی مردان و زنان مذهبی باید بطور قلبی یکی شده، نماینده و مجری آرزوها و اهداف خدا برای همه مردم باشند.

صلح جهانی می‌تواند در تشریک مساعی بین سیاستمداران و مسائل زمامداری و میزان و معیار تعیین شده توسط آنها بعنوان نماینده جسم و دنیای بیرون، از یک طرف و تلاش‌های رهبران مذهبی دنیا، بعنوان نماینده روح و دنیای درون، از طرف دیگر تحقق یابد. برای تمامی ما زمان آن فرا رسیده است که حتی در ارتباط با مسئله‌ی نوسازی و احیای سازمان ملل بطور جدی فکر کنیم. آیا امکان آن وجود ندارد که سازمان ملل ساختار و ترکیبی دوگانه بخود گیرد؟

چه می‌شود اگر نمایندگان کنونی سازمان در یک خانه (خانه‌ی سیاست) قرار گرفته و خدمت کنند (که از مسائل و علائق سیاسی - ملی صحبت خواهد کرد) و سپس یک شورا یا مجلس سنای مذهبی (خانه‌ی مذهب) سازمان ملل نیز می‌تواند بنا نهاده شود که ترکیبی از رهبران بزرگ مذهبی و رهبران حرفه‌های اجتماعی وابسته به قلب، از جمله فرهنگ، آموزش و پرورش باشد؟ این شورای مذهبی به مثابه نماینده یک دیدگاه جهان شمول در ورای تمامی مرزهای ملی یا مذهبی از علائق تمامی مردم سخن خواهد گفت.

این دو بخش و خانه در سازمان ملل از طریق احترام و همکاری دوجانبه قادر خواهند بود تا در تحقق صلح جهانی بطور گسترده شرکت جویند. بدینسان حکمت سیاسی رهبران دنیا می‌تواند بشکلی موثر با فرازندگی و بصیرت رهبران برجسته مذهبی دنیا تکمیل شود.

من اطمینان دارم که بصیرت معنوی اخلاقی در زندگی نمونه رهبران مذهبی می‌تواند چراغ راهی برای بشریت نه تنها در جهت یافتن گذرگاه راستین در وصول به دنیای ابدی روح بوده همچنین آموزشی برای دستیابی به گذرگاه شادی و صلح واقعی بر روی زمین باشد.

رهبران مذهبی باید رهبران ایده‌آلی شوند که نه تنها تعالیم مقدس و با ارزش سنتهای خود را با ارث برده و به دیگران منتقل می‌کنند بلکه زندگی خود را در خدمت غیرخودخواهانه برای دیگران وقف کنند. عدم صلاحیت هر رهبری چه مذهبی و چه سیاسی خودخواهی خواهد بود.

من با برگزاری پی در پی کنفرانس‌ها و گردهمایی‌ها رهبران مذهبی کوشیده‌ام تا عشق راستین و تعالیم مربوط به آن را به ورای مرزهای فرقه‌ای - مذهبی و ملی بکشانم. سال گذشته رهبران مذهبی دنیا پیشنهادی را ارائه دادند مبنی بر اینکه تمامی مردم مذهبی بر پایه عدد ۷ مبلغی اهدا کنند و اینگونه برای تشکیل پشتوانه مالی برای صلح جهانی پیشگام شوند. افراد و ملت‌ها موفقیت‌های اقتصادی مختلفی دارند. برای مثال ممکن است که برای فردی ۷ روبل مقدار زیادی برای پیشکش باشد، اما در جایی دیگر ممکن است که فردی ۷ میلیون دلار پیشکش کند. اگر تمامی مردم مذهبی بطور قلبی با یکدیگر متحد شوند، نه تنها قادر به کسب درآمد خواهند بود بلکه می‌توانند با استفاده موثر از آن ایده‌آل صلح را تدریس نموده و برای ترویج ایده‌آل عشق راستین و ارزش پرورش خانواده‌های نمونه بطور موثری دست به دست یکدیگر دهند.

رهبران محترم ما باید با یکدیگر همکاری کرده و سیستمی بوجود آوریم که بتواند والاترین تجلی‌های معارف مذهبی را بر سر میزی آورد که جدی‌ترین و مهم‌ترین مشکلات دنیا در آن مطرح می‌شود. چنین سیستمی می‌تواند توسط شورای رهبران مذهبی شکل گرفته در چارچوب سازمان ملل بوجود آید.

امروز مایلم از شما خواهش کنم که بعنوان اولین گام در جهت تحقق این هدف IIFWP را تاسیس کنیم. این امید قلبی من است که شما تجربیات، معرفت و کوشش خود را برای تحقق این ایده‌آل والا، سخاوتمندانه تقدیم خواهید کرد.

من مطمئن هستم که IIFWP برای تحقق صلح جهانی سهم بسزایی خواهد داشت. دعا می‌کنم که خدا به شما و خانواده‌تان و تلاش‌تان برکت دهد.

متشکرم.